

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه ضحی، ۲۵ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الضُّحَى (۱)

وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى (۳)

وَ لِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴)

وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶)

وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷)

وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (۸)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَفْهَرُ (۹)

وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرُ (۱۰)

وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثُ (۱۱)

گروهی خدمت پیامبر(ص) آمدند تا سوالاتی از ایشان بپرسند و ببینند واقعا پیامبر(ص) هستند یا نه. پیامبران خدا از جمله نبی مکرم اسلام، هیچ وقت از وحی الهی قطع نبودند. متناسب با وحی اقدام می کردند. به واسطه وحی الهی ایشان اجازه پاسخ گویی به این افراد را در آن زمان نداشتند و مدتی طول می کشد. ماجرا به گونه‌ای

پیش رفت که انگار خدا پیامبر(ص) را رها کرده است و وا گذاشته است. قبلا خدا

سوالات را زود جواب می داد و حالا دیگر پیامبر(ص) رها شده و زود جواب سوالات نمی آید.

براساس آیات ابتدایی سوره، ظاهرا عده ای می روند به پیامبر(ص) می گویند: **وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَقَلِي،** پروردگار با تو وداع گفت، به تو فشار آورد. قلی یعنی نگه داشتن در تنگنا و شدت دادن به آن وضعیت. در ادبیات عامیانه می گوئیم چزانندن. عده ای به پیامبر(ص) می گویند خدا خوب تو را چزوند!!!!

وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ

در آیات ابتدایی خداوند به روشنایی کامل روز و تاریکی کامل شب که ثابت شده و به نظر نمی رسد که حالا حالا بخواید روز شود، قسم خورده که اینگونه نیست و خدا تو را رها نکرده است و نه خواسته که تو را اذیت کند.

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

اتفاقا آخرت برای تو بهتر هست و آنقدر خدا به تو عطا می کند که راضی شوی.

پیامبر(ص) که از خدا چیز مادی نمی خواهد، چیزی که می خواهد هدایت امتش است. خداوند ظاهرا همین وعده را به پیامبر(ص) می دهد.

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾

آیا خدا تو را یتیم نیافت پس پناه داد و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد و تو را تنگدست یافت و بی نیاز گردانید و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میزبان و سائل را مران.

در مورد نیازهای مختلف پیامبر(ص) صحبت می شود.

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی

سوره در مورد یک سری نیاز و رفع نیاز صحبت می‌کند. پیامبر(ص) در اوج بی‌نیازی از طرف خدا رسیده چون در اوج نیاز قرار گرفته است. حالا ایشان می‌توانند واسطه رفع نیاز دیگران باشند به خصوص با بازگو کردن نعمت‌هایشان که با آن‌ها می‌توان نیازها برطرف شود.

ارائه سوره برای بچه‌های دبستانی

اسم سوره ضحی را می‌توانیم سوره‌ای برای شناخت و رفع نیازها به واسطه نعمت‌ها بگذاریم. بچه‌ها نیاز و رفع نیاز را می‌فهمند به همین دلیل سوره ضحی را از همین منظر به آن‌ها آموزش می‌دهیم. این را با یک سیر به آن‌ها یاد می‌دهیم:

اول بچه‌ها را با نیازهایشان آشنا می‌کنیم.

سپس تفصیلی تر نیازهایشان را به آن‌ها نشان می‌دهیم.

سپس ارتباط شب و روز را با نیازهایشان بیان می‌کنیم.

به آن‌ها یاد می‌دهیم که بتوانند نیازهایشان را رفع کنند.

نسبت به نیازهای دیگران و اجتماع بی تفاوت نباشند و بتوانند با دسته بندی کردن نیازها در رفع نیازهای اجتماع اقدام کنند.

می‌توانند نعمت‌های اجتماع را شناسایی کنند و بروند آن‌ها را به اجتماع بشناسانند و بدین ترتیب کلی از نیازهای اجتماع را برطرف کنند.

تدبر در سوره

وَالضُّحَىٰ

سوره مبارکه ضحی با قسم شروع می‌شود؛ قسم به ضحی؛

ضحی یعنی گسترش نور خورشید. هم به نور و هم به آن وقت، ضحی می‌گویند.

روشن شدن هوا در طی یک فرآیندی صورت می‌گیرد. از بین الطلوعین شروع می‌شود تا جاییکه خورشید از افق بالا می‌آید و طلوع آفتاب اتفاق می‌افتد. چون خورشید از کنار بالا می‌آید، سایه‌ها بلند هستند. یواش یواش خورشید بالا می‌آید و نور خورشید گسترش می‌یابد. دو ساعت بعد از طلوع آفتاب آسمان به روشنایی کامل خود رسیده است و میزان روشنایی بیشتر نمی‌شود تا اینکه ظهر می‌شود و زمان زوال خورشید می‌شود و در عصر کم کم روشنایی خورشید کم می‌شود. ضحی زمانی بین صبح تا ظهر است که نور خورشید به اوج خود می‌رسد.

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ

سجی یعنی فرایندی که منتهی به تثبیت و استقرار در آن وضعیت می‌شود؛ سوگند به شب هنگامی که ثابت و پایدار شد. شب هم با یک فرایندی رخ می‌دهد. کم کم هوا تاریک می‌شود، سایه‌ها بلندتر می‌شوند تا آفتاب غروب می‌کند. در غروب هنوز کمی هوا روشن است. ۲۰ دقیقه بعد از غروب آفتاب که آسمان کمی قرمز است. در عشا حدود ۱ ساعت بعد از مغرب، تاریک می‌شود و از عشا به بعد دیگر تاریک می‌ماند. روز و شب پشت سر هم هستند. همینطور به اوج روشنایی روز می‌رسیم و به اوج تاریکی شب. اگر کسی یک روز زندگی کرده باشد، وقتی شب می‌رسد ممکن است فکر کند دیگر روشن نمی‌شود.

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ

وَدَّع فعل ماضی است از مصدر تودیع یعنی خداحافظی کردن؛ کسی که یک مدتی بوده و حالا کنار گذاشته می‌شود و با او وداع صورت گرفته؛ خداوند می‌فرماید پروردگار تو، با تو وداع نکرده و تو را وانگذاشته و بر تو تنگ نگرفته؛ نخواسته تو را اذیت کند.

آدم وقتی از بیرون به زندگی انبیا نگاه می‌کند، خیلی سختی‌ها در زندگی شان بوده. سختی را آن‌ها با تمام وجودشان پذیرا هستند و آن را نعمتی از طرف خدا می‌دانند که باعث رشد خود و اجتماعشان می‌شود و اصلا احساس اینکه خدا بر آنها تنگ گرفته ندارند. این را پیامبر(ص) می‌دانستند. خدا می‌گوید تا بقیه بدانند.

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ

سوگند که آخرت برای تو از اولی که دنیاست بهتر است.

آخرت هم ریشه آخر و تاخیر و تاخر است. اولی هم از ریشه اول است، اولویت، جلوتر. اولی به دنیا می گویند چون اول آدم با دنیا مواجه می شود.

لام اول آیه هم معنی قسم دارد.

درست است که خدا تو را در دنیا تنها نگذاشته و رها نکرده و اذیت نکرده، تو بنده محبوب خدا هستی، خدا دارد مسیر رشد تو و امتت را هموار می کند ولی با این وجود آخرت برای تو بهتر از دنیا است. شرایط بهتر می شود. جهان آخرت که کلا از دنیا بهتر است. دنیا بالاخره یک فشارهایی دارد ولی آخرت بهتر است.

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

دوباره اولش لام قسم دارد.

یُعْطِ یعنی یک طرف می بخشد، بدون اینکه بخواهد تو چیزی به او بدهی.

سوف یعطیک یعنی این عطا از الان هست و همین طور تا آینده ادامه دارد و در آینده به اوج خود می رسد و تکمیل می شود.

سيعطیک یعنی الان شرایطی هست که این عطا نیست. یکجا این عطا داده می شود. سَ حالت یک دفعه ای دارد ولی سوف حالت شیب دارد، خدا همین طور عطا می کند، عطا می کند تا اوج خود برسد، فترضی.

سوگند که خدا به تو عطایی می دهد که تو به رضایت برسی؛

پیامبر(ص) همیشه راضی هست ولی می تواند سطح آن بالاتر برود. در سوره لیل در مورد رضایت صحبت می کنیم.

خداوند به پیامبر(ص) وعده عطایی بزرگ و مستمر را می دهد؛

افراد در اول رشدشان فردی تر هستند مانند اول ابتدایی، کم کم که رشد می کنند مثلا در پایه پنجم می توانند به دیگران هم توجه کنند. این فرایند اجتماعی شدن ادامه دارد تا جایی که حتی ما هم نمی شناسیم. در دوره ۴ رشد آدم، دیگران را به خود ترجیح می دهد و در دوره ۵ رشد، آدم زندگی اش را صرف دیگران می کند مانند

اولوالالباب. دوره ۶ رشد که دوره بندگی و رهبری است، انسان شانی به جز شان

اجتماعی ندارد. وقتی می‌گوید من یعنی همه جامعه و همه کسانی که من بر آنها ولایت دارم. عقل اجتماع می‌شود. سطح انبیا از این هم بالاتر است.

آنچه طلب و خواسته پیامبر(ص) است، فردی نیست و در سطح نیازهای اولیه و مادی نیست؛ پیامبر(ص) هدایت دیگران را می‌خواهد و خواسته فردی و به میل شخصی ندارد؛ او دیگران را به خودش ترجیح می‌دهد و اصلاً زندگی‌اش را صرف دیگران می‌کند. پیامبر(ص) به درجه‌ای رسیده‌اند که جامعه و مردم، خودش است؛ نیازهای مردم و جامعه، نیاز پیامبر(ص) است؛ آنچه پیامبر(ص) می‌خواهد هدایت همه افراد جامعه خویش است.

روایت هم هست که این آیه امیدوار کننده ترین آیه هست یعنی خدا در آخرت آنقدر از امت پیامبر(ص) می‌آمرزد که ایشان راضی می‌شود!

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ

آیا خدا تو را یتیم نیافت، مأوی داد. گمراه نیافت، هدایت کرد و تو را تنگدست نیافت، بی نیاز کرد؟
عائل یعنی فقیر.

أ یعنی آیا. لم یجد یعنی نیافت. انگار مفهوم ألم که در آیه اول آمده، در وجدک‌های بعدی هم هست و آن‌ها هم استفهام هستند. این جمله‌ها عطف به قبل هستند.

وجد یعنی یافتن و پیدا کردن؛ یعنی درک کردن چیزی که اتفاق افتاده و حادث شده؛ وجدان و دریافت کردن؛ فاعل فعل وجد، خداست؛ یعنی خداوند وجدان کرد یعنی یک اتفاقی افتاده و خدا فهمیده است. وجد از افعال قلوب است یعنی درونی‌اند؛ درک کردنی‌اند مانند فهمیدن؛ این افعال دو مفعولی هستند؛ دو مفعول دارند؛ مثلاً اینکه تو را یتیم وجدان کرد؛ تو و یتیم دو مفعول این فعل هستند.

^۱ محمد بن علی بن الحنفیة روایت کرده است که فرمود ای اهل عراق شما می‌پندارید امید بخش‌تر آیه در کتاب خدای عزّ و جلّ (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ الخ است) و ما اهل بیت گوئیم امید بخش‌تر آیه در کتاب خدا آیه (وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ) است و آن قسم بخدا شفاعت است که در باره اهل لا اله الا الله باو عطا می‌فرماید تا بگوید پروردگارا راضی شدم.

در ذات خداوند تغییر و تحول به وجود نمی‌آید در حالیکه فعل نشان دهنده تحول

و تغییر است، وقتی فعلی را به خدا نسبت داده می‌شود، باید بگردیم آن فعل و تحولات آن را در عالم پیدا کنیم. خداوند منشا آن تغییرات و تحولات است. در قرآن فعل‌هایی که به خدا نسبت داده می‌شود با فعل‌هایی که برای بقیه بکار می‌رود فرق دارد. اینکه خداوند، پیامبر(ص) را یتیم یافته، به احساس پیامبر(ص) برمی‌گردد؛ یعنی پیامبر(ص) به مقامی رسیده که احساس فقر از جهت سرپرست کرده، حس یتیمی کرده، خداوند پیامبر(ص) را یتیم یافته است.

پیامبر(ص) احساس فقر از جهت هدایت کرده، خداوند پیامبر(ص) را گمراه یافته است.

پیامبر(ص) احساس فقر از جهت نیازهای لازم برای زندگی کرده، خداوند پیامبر(ص) را گمراه یافته است.

در تفاسیر اینها را به مسائل عمومی‌تر و معمولی‌تری نسبت می‌دهند. مثلاً می‌گویند چون پدر پیامبر(ص) از دنیا رفته بوده و مادرشان هم فوت می‌شود، یتیم می‌شود و خداوند این یتیمی را دیده و ابوطالب (ع) را سرپرست ایشان قرار می‌دهد یا پیامبر(ص) به واسطه وحی الهی هدایت می‌شود یا به واسطه ازدواج با حضرت خدیجه (س)، تنگدستی ایشان را برطرف می‌کند.

آیات مراتب دارند. اشکالی هم ندارد. مرتبه بالاتر آیه این است که اساساً پیامبر(ص) در اوجی قرار دارد که خودش را مطلقاً به خداوند نیازمند می‌داند؛ یتیم یعنی کسی که سرپرست نداشته باشد و به خاطر آن کرامتش زیر سوال برود و نیاز به سرپرستی کسی داشته باشد. درست است که پیامبر(ص) پدر و مادر خود را از دست داده بود اما هیچوقت به آن معنا رها و بی سرپرست به لحاظ مادی در دنیا نبودند یعنی پیامبر(ص) همیشه بهترین سرپرست‌ها را داشتند. سرپرستی جناب عبدالمطلب و جناب ابوطالب بسیار پشتوانه قوی و محکمی برای پیامبر(ص) بود. بنابراین یتیمی بیشتر به احساس خود پیامبر(ص) برمی‌گردد. پیامبر(ص) خود را بدون خدا بی سرپرست می‌داند. تصور پیامبر(ص) این است که بدون خدا من هیچ کس را ندارم. انسان به ماوی الهی از بی سرپرستی خارج می‌شود نه با سرپرست داشتن‌های دیگر.

پیامبر(ص) هیچ وقت که گمراه نبوده است. برخی با استناد به این آیه می‌گویند پیامبر(ص) قبل از این، معصوم نبودند و گمراه بودند. این برداشت غلطی هست. پیامبر(ص) خود را گمراه می‌یابد، پس خدا او را گمراه می‌یابد.

ما خودمان را گمراه نمی‌دانیم چون فکر می‌کنیم از یکسری جنبه‌ها هدایت شده

ایم. پیامبر(ص) اینگونه نبودند، ایشان خود را از لحاظ هیچ جنبه‌ای هدایت یافته نمی‌یابد. برای همین فهدی، همه هدایت ایشان، هدایت الهی است.

بی‌نیازی حقیقی پیامبر(ص) به واسطه بی‌نیازی الهی است که خدا به ایشان داده است؛ به همین دلیل حتی اگر ثروت و امکانات و ... به آن شکل نداشته باشند، احساس نیاز نمی‌کند چون احساس نیاز را به صورت ثابت در وجود خودش دارد. به واسطه اتصالی که به خداوند دارد، بی‌نیازی الهی دارد.

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

هیچ کس به اندازه پیامبر(ص) احساس فقر ندارد. چون پیامبر(ص) در اوج فقر و نیاز هست، برای همین هیچ کس هم به اندازه پیامبر(ص) از هدایت و بی‌نیازی الهی بهره‌مند نیست. حالا که این طور است، خداوند جایگاه پیامبر(ص) به عنوان رفع کننده نیاز دیگران مطرح می‌کند.

در این آیه خداوند به پیامبر(ص) امر می‌کند که با یتیم به قهر برخورد نکن. مانند آیه ۳ که خداوند می‌گوید ما تو را رها نکردیم، پیامبر(ص) که فکر نمی‌کردند خداوند ایشان را رها کرده‌اند، چون ایشان دائما با خدا در ارتباط است، خدا این را می‌گوید که هم تسلی پیامبر(ص) است و هم این را به مردم می‌گوید.

خداوند پیامبر(ص) را نهی کرده است که به قهر با یتیم برخورد کند.

وقتی خداوند این دستورات را به پیامبر(ص) می‌دهد، ما متوجه می‌شویم که پیامبر(ص) هرگز با یتیم با قهر و بی‌اعتنایی برخورد نمی‌کردند؛ یتیم می‌تواند مراتب مختلفی داشته باشد. ممکن است کسی به لحاظ معنوی یتیم باشد. وقتی بدون سرپرست باشد، بی‌تربیت می‌شود. حقایق به او منتقل نشده و رشدش دچار اختلال شده است. خودش مقصر نبوده است. پیامبر(ص) با قهر با او برخورد نمی‌کند. پیامبر(ص) می‌داند که ظاهر این آدم بی‌دین است و از نظر دینی، بی‌ادب است ولی این به خاطر یتیمی‌اش هست.

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

سائل یعنی هرکسی است که سوال دارد و درخواست دارد؛ این درخواست ممکن

است مادی یا معنوی باشد؛ ما به واسطه این آیه می‌توانیم مطمئن باشیم که اگر از پیامبر(ص) چیزی بخواهیم هرگز ایشان رویشان را از ما برنمی‌گردانند و به درخواست ما توجه می‌کنند. حالا اینکه نیاز ما برطرف بشود یا نشود، بستگی به مصلحت دارد.

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

در این آیه آخر می‌فرماید که نعمت‌هایت را بازگو کن؛ نعمت ممکن است جوری نباشد که ما خوشمان بیاید چون در ظاهرش بسیار سختی داشته ولی نعمت بوده است. شکل نعمت بخور و بخواب نیست. آدم باید عاقل باشد تا بفهمد این چه نعمتی هست. ممکن است ظاهر سختی هم داشته باشد که غالباً نعمت‌های انبیاء به این شکل بوده است؛ این نعمت‌ها با همین شکل سختی‌ها اولاً سبب رشد خود انبیاء می‌شود و ثانیاً سبب رشد امت آن‌ها می‌شود.

خداوند از پیامبر(ص) می‌خواهد که این نعمت‌ها را بازگو کند تا مردم با نعمت‌ها آشنا شوند. وقتی نعمت‌های پیامبر(ص) را می‌شناسی، نعمت‌های خودت را هم می‌شناسی.

خود همین که انسان نعمت‌ها را بشناسد، به رفع نیازهایش کمک می‌کند. برخی از اوقات، آدم خیلی اوضاعش خوب است ولی احساس بدی دارد، کافی هست که بفهمد که چه نعمتی دارد، احساس بدش هم خوب می‌شود.

سوالات

ارتباط دو قسم اول با قسمت‌های بعدی چیست؟

قسم به اوج روشنایی روز است و اوج تاریکی شب است. این چرخه شب و روز بستر رشد انسان هست. در شب عالم در بستر نهمتگی قرار می‌گیرد. خیلی از اتفاقات در شب می‌افتد، خیلی از دریافت‌ها در شب اتفاق می‌افتد. در شب ارتباط با خدا به شکل ویژه موضوعیت دارد. بعد در روز همه چیز در وضعیت آشکاری قرار می‌گیرد. این چرخه نهمتگی و آشکاری، بالارونده است که انسان در این بستر رشد می‌کند. نیازها و رفع نیازهای انسان

هم همینگونه است یعنی انسان یک نیازی را در وجودش احساس می‌کند، این

خلا موقعیتی را برای پر شدن ایجاد می‌کند، وقتی پر می‌شود به واسطه ارتقایی که پیدا می‌کند، یک سری نیازهایی را در وجودش احساس می‌کند. این خالی و پر شدن شبیه این شب و روز که از نور خالی و پر می‌شود، هست که بستر رشد انسان است.

به نظر می‌آید اگر فرض کنیم پیامبر(ص) چیزهایی را نداشته، طبیعی است، ما هم شب داریم و هم روز. یک شرایط نهفتگی داریم. این خالی شدن است که ظرفیت دریافت ایجاد می‌کند. اینکه انسان در زندگی اش یک چیزهایی را نداشته باشد، به معنای اینکه خدا می‌خواهد آدم را در تنگنا قرار دهد نیست. اگر یک وقت‌هایی آدم خالی می‌شود، این مقدمه پر شدن است.

پسر یکی از نزدیکانمان که حدود ۲ سالش بود، از من می‌خواست که از بطری آب بریزم در لیوانی که در دستش بود. من می‌خواستم لیوان را از او بگیرم که در آن آب بریزم، او فکر می‌کرد که من نمی‌خواهم به او آب بدهم تازه می‌خواهم لیوانش را هم بگیرم. بعد گریه می‌کرد و پایش را زمین می‌کوبید و لیوانش را هم نمی‌داد. من سریع لیوانش را گرفتم و آب کردم و بهش دادم، مشککش حل شد. این تصویر خیلی جالب بود. خیلی وقت‌ها ارتباط ما با خدا این شکلی هست. ما خیلی وقت‌ها به چیزهایی احساس نیاز داریم، نمی‌فهمیم که این نیازمان چگونه برطرف می‌شود. خیلی وقت‌ها گرفتن‌ها، مقدمه دادن یک چیزهایی هست. مثل اینکه اول باید لیوان را بگیری تا آب بدهی. هر وقت کمبودی در زندگی داریم به این معنا نیست که خدا می‌خواهد ما را اذیت کند. آدم باید به خدا حسن ظن داشته باشد و پیامبر(ص) این حسن ظن را به خدا دارد. خداوند به روشنی روز و تاریکی شب قسم می‌خورد که خدا تو را نه رها کرده و نه بر تو تنگ گرفته است.

✚ حدیث نعمت یعنی چه؟

بازگو کردن نعمت. مصدر آن تحدیث است یعنی به زبان آوردن، بازگو کردن. حدوث یعنی یک چیز جدید. یعنی یک جور نو بازگو کردن و مفصل بیان کردن. "عه کسی اینجوری به من نگفته بود آنقدر قشنگ که اینها هم نعمت است."

نکته خانم سیفی: همه نیازهای انسان این سه دسته نیاز هستند. برای همین همه درخواست‌ها و دعا‌های ما ذیل این سه دسته قرار می‌گیرند.

✚ ما خودمان نیازهای اصلی مان را گاهی تشخیص نمی‌دهیم چگونه این را برای بچه‌ها بیان کنیم؟
نیاز اصلی را از غیر اصلی براساس غایت آن باید تشخیص داد. اگر این نیاز برطرف بشود، چه می‌شود و اگر برطرف نشود چه می‌شود؟

✚ این مدل حرف زدن یک جور منت گذاشتن نیست؟
چرا ممکن است مدل منت گذاشتن باشد. منت گذاشتن از طرف خدا اصلاً چیز بدی نیست. کلاً خدا با بقیه فرق دارد، حرف‌های خدا هم فرق دارد. تکبر خیلی چیز بدی هست و صفت جهنمی‌هاست. این تکبر برای خدا خوب است چون خدا بزرگ هست و این بزرگی را ابراز می‌کند ولی این برای بقیه مخلوقات منفی است. در مورد خدا همه چیز فرق دارد. منت گذاشتن خدا اصلاً باعث جاری شدن نعمت می‌شود. شکلش با منت گذاشتن‌های ما فرق دارد.

نکته خانم سیفی: خوب است به بچه‌ها اینطوری بگوییم که احساس منت نکنند: "ببین خدا چه نعمت‌هایی داده"

✚ بیان کردن نعمت از طرف پدر و مادر هم منت هست؟
پدر و مادر هم خدا نیستند. نباید منت بگذارند هرچند که یادآوری نعمت با منت فرق دارد. خوب است بچه‌ها را به نعمت‌هایشان توجه بدهیم ولی نه همراه منت. "ببین این امکانات را داری، بعضی بچه‌ها اینها را ندارند" این اشکال ندارد ولی اینکه "ببین ما برایت کردیم" نه.

✚ آیا نعمت در آیه آخر، منظور نعمت خاصی هست؟

ممکن است خاص باشد، ممکن هم هست که مجموعه نعمت‌ها باشد. سوره انشراح

بعد از این سوره آمده و این دو سوره ارتباط نزدیکی بهم دارند. شکل سوره اینطوری می‌شود: **وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ...**، نعمت‌ها را بازگو کن. مگر ما به تو شرح صدر ندادیم؟ مگر وزر را از روی دوش تو برداشتیم؟ مگر رفعت ذکر به تو ندادیم؟ این‌ها می‌شود نعمت‌های خاص پیامبر(ص).

آیا می‌توان ضحی و لیل را تعبیر به امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) بکنیم که با این انوار مردم را

هدایت کرده و نعمت آخر ولایت امیرالمومنین(ع) است؟

بله در یک سطحی می‌تواند درست باشد یعنی با مضمون سوره سازگار است.

ممکن است منظور نعمت، قرآن باشد؟

یک نکته‌ای را توجه کنید، خداوند وقتی بیانی را مطرح می‌کند، منظور همان است که گفته. خدا می‌تواند هر چیزی را واضح تر بگوید ولی اینگونه گفته است. می‌توانسته بگوید امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) ولی گفته ضحی و لیل اذا سجد کلا اینکه شب و روز در قرآن مقام زن و مرد و مقام حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) هست، دور از ذهن نیست. خدا می‌توانست بگوید چه نعمتی، وقتی گفته شده نعمت می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد.

اینکه نعمت پیامبر(ص) با ما فرق دارد پس بازگو کردن ما چگونه می‌شود؟

منظور من این نبود که نعمت آن‌ها با ما فرق دارد، درک نعمت آن‌ها با ما فرق دارد. مثلا من وقتی بچه‌ام را از دست بدهم، فکر نمی‌کنم این یک نعمت است، فکر می‌کنم یک بدبختی و بیچارگی و یک نعمت هست. انبیا همه اتفاقاتی که در زندگی شان می‌افتد را نعمت می‌دانند. در زندگی پیامبر(ص) ببینید چقدر فرزند از دست داده‌اند، البته فقط انبیا اینطوری نیستند. هرکس عاقل باشد درکش از نعمت اینگونه است مثلا امام خمینی (ره) وقتی حاج آقا مصطفی را از دست دادند، با وجود حسابی که ایشان روی فرزندش باز کرده بود،

فرمودند این از الطاف خفیه الهی بود. شهادت ایشان بود که باعث شد سال بعدش

انقلاب پیروز شود. در قرآن یک کلمه نِعْمَةٌ داریم و نِعْمَةٌ یعنی کسانی که امکانات و وسایل رفاه، چیزهایی که همه دوست دارند و خوششان می آید، دارند. نِعْمَةٌ یعنی چیزهایی که با فطرت انسان سازگار است و رشد و سعادت انسان را رقم می زند. نعمت را افراد عاقل درک می کنند. فرق انبیا این است.

🔑 وقتی نعمتی را از دست می دهیم باید بگوییم ابتلا است یا نعمت؟

خداوند در سوره فجر می فرماید اینها همه ابتلا است ولی خود این ابتلا می تواند نعمت باشد. یک موقع هایی خدا نعمت هایی به انسان می دهد یا بر انسان تنگ می گیرد، باز ابتلا است. انسان نباید حس بدی داشته باشد. نعمت و ابتلا فرقی ندارد، مهم این است که بدانید اینها همه برای رشد شماست.

🔑 آیا به هر سائلی باید جواب مثبت بدهیم؟

نه نباید به هر سائلی جواب مثبت داد. گفته به سائل بی توجهی نکن. فرض کنید در خیابان، این افرادی را که فال می فروشند، رد نمی کند یعنی بی توجهی و بی محلی نمی کند. می گوید متشکرم فال نیاز ندارم یا پول ندارم و... کرامتش را زیر سوال نبرد. وقتی او خودش خودش را حقیر کرده تو بیشتر تحقیرش نکن.

چند روایت در مورد آیه **وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ** (۵):

روایت زیاد دارد. در صحیفه سجادیه و شرح فیض الاسلام روایت است که می فرماید: این آیه یعنی پروردگارت به زودی عطا کند به تو فتح و پیروزی در دنیا و در آخرت مقام شفاعت که خوشنود گردی بعد گفتن مراد از شفاعت در مورد اهل بیت مثلا ارتقای درجه است نه شفاعت از گناهان.

در روایتی دیگر بیان می شود که منظور از این آیه این است که از بهشت آنقدر به تو عطا می کند که راضی شوی.

یا مثلا گفتن که قال "رضاه ان یدخل اهل بیت الجنة" رضایت از اینکه اهل بیتش وارد بهشت بشوند. (تفسیر

فراة کوفی)

یا قال یدخل الله ذریه الجنة که خدا ذریه پیامبر(ص) را در داخل بهشت کند.

در تفسیر فرات کوفی گفتن که ظاهراً به امام باقر(ع) عرض شده : امیدوارکننده ترین آیه در کتاب خدا کدام است؟ حضرت فرمودن که قوم تو و خودت چی فکر می کنید؟ گفتن : مردم می گویند آیه ای که می فرماید
قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ (۵۳ زمر) امیدوار کننده ترین آیه است.

امام باقر(ع) می فرمایند : درسته این آیه خیلی آیه امیدوارکننده ای است چون می فرماید ای بندگان من که نسبت به خودتان اسراف کرده اید از رحمت من ناامید نباشید. ولی ما اهل بیت آیه و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (۵ ضحی) امیدوارکننده ترین آیه قرآن می دانیم. بعد می فرمایند : الشفاعة ، یعنی اون چیزی که خداوند عطا می کند تا پیامبر(ص) راضی شود شفاعت است.

بعد می گویند ولله شفاعه ولله شفاعه . برای اهل بیت اینکه می توانند اهل بیتشان را شفاعت کنند این امیدوارکننده ترین آیه است.

نکته خانم سیفی

خوب است بچه ها بدانند نیازها را خدا رفع می کند. بچه ها این را در سنین و سطوح مختلفی متوجه می شوند. اینکه هروقت خدا صلاح بداند هر نیازی که واقعا نیاز باشد را خدا رفع می کند. این نکته مهمی است .

اهداف تربیتی سوره

سوره مبارکه ضحی سوره ای برای شناخت و رفع نیازهاست به واسطه نعمت است.

پایه اول

آشنایی با نیازهای اولیه انسان و منفعت وجود هر یک

چیزی که از این سوره متوجه می‌شوند در حد این است که با نیازهای اولیه انسان و رفع آن‌ها آشنا بشوند. برای همین برای اینکه سوره ضحی را به پایه اول آموزش دهیم آن‌ها را با نیازهای اولیه انسان آشنا می‌کنیم تا متوجه شوند که این نیازها فایده دارند.

مثلا نیاز به استراحت کردن که نیاز مهمی است یا نیاز به غذا و آب خوردن و نیازهای اولیه هستند. یا حتی نیاز به یادگیری حروف الفبا.

آن‌ها را متوجه نیازهایشان می‌کنیم. اینکه آن‌ها خواسته‌ها و احساسات یا مطالباتی دارند که نیازهایشان هست. خوب است که این مطالب را در فضای بازی و نشاط به آن‌ها نشان دهیم.

پایه دوم

شناخت تفصیلی تر نیازها و ارتباط آن با شب و روز به عنوان بستر رشد

لازم است که بچه‌ها تفصیلی تر نیازهایشان را بشناسند. چیزی که در پایه دوم اهمیت دارد، این است که آن‌ها ارتباط نیازهایشان با شب و روز را هم متوجه بشوند. یعنی نیازهایشان چه ارتباطی با شب و روز دارد.

شبیه به سوره قدر است با این تفاوت که این سوره از جنبه نیاز به آن توجه دارد.

در پایه دوم باید بچه‌ها تفصیلی نیازهایشان را بشناسند. چیزی که اهمیت دارد این است که علاوه بر اینکه تنوعی از نیازهایشان را می‌شناسند، باید بدانند با گذشتن شب و روز است که آن‌ها رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند. سنشان به اندازه این شب و روزهایست که می‌گذرد.

بدانند که این شبانه روز که می‌گذرد، نیاز پیدا می‌کنند و نیازها برطرف می‌شود و آن‌ها بزرگ می‌شوند. هم بزرگ شدن جسمی و هم فکری.

سوره ضحی در پایه دوم می‌شود شناخت تفصیلی تر نیازها و تنوع نیازها و بعد ارتباط نیازها به شب و روز را بشناسند. بدانند که وقتی نیاز دارند و این نیازها برطرف می‌شود رشد می‌کنند و در شب و روز رشد می‌کنند.

شب و روز هم بستر رشدشان است و هم بستر نیازورفع نیازشان.

پایه سوم

شناخت انواع نیازها و دسته بندی آنها همراه با افزایش مهارت‌های رفع نیاز

باید بچه‌های پایه سوم بتوانند انواع نیازها و دسته بندی آنها را بشناسند. در سوره ضحیٰ ما ۳ نوع نیاز داریم.

* نیاز به سرپرست . لازم است بدانند همه نیاز به سرپرست دارند حتی بزرگترها . یک دسته از نیازهای انسان نیاز به سرپرست است. اینکه کسی باشد که انسان را سرپرستی کند و مسیر رشد او را معلوم کند ، مقصد را مشخص کند و درکل صاحب انسان باشد. حال سرپرست‌ها از نوع مختلف اند : پدر و مادر . معلم و

* نیاز به راهنما، کسی که راه را به انسان نشان دهد. باید‌ها و نبایدها را به او بگوید . چیزی به او یاد دهد. در موقعیت‌ها مشورت بدهد.

* نیاز به امکانات، بالاخره انسان به چیزهایی نیاز دارد و باید کسی باشد که آنها را برای انسان فراهم کند.

خوب است این دسته بندی را داشته باشند و به واسطه همین دسته بندی نیازهای اصلی را بشناسند تا کم بچه‌های پایه سوم به واسطه سوره ضحیٰ یاد بگیرند مهارت رفع نیاز داشته باشند. در واقع نیازهای واقعی خود را بشناسند و بتوانند آنها را رفع کنند. خودشان را در موقعیتی قرار دهند که نیازهایشان برطرف شود.

پایه چهارم

توجه به نیازهای دیگران و بی تفاوت نبودن نسبت به اجتماع

توجهشان را جلب می‌کنیم به نیازهای دیگران. اگر اولین باری باشد که سوره ضحیٰ می‌خوانند به یکباره نمی‌شود صحبت از نیاز دیگران کرد چون مفهوم سوره ضحیٰ به آنها منتقل نمی‌شود. بعد از انتقال مطالب

پایه‌های قبل، می‌گوییم فقط تو نیستی که نیاز داری دیگران هم یکسری نیازها دارند. این مورد به سوره مبارکه ماعون نیز شباهت دارد اما در اینجا از منظر نیاز، شب و روز، دسته بندی نیاز و نیازهای دیگران به آن نگاه می‌کنیم. همینکه بچه‌ها یاد بگیرند با این سیر از سوره ضحی به نیازهای دیگران بی تفاوت نباشند سوره ضحی را یاد گرفتند.

پایه پنجم

دسته بندی نیازهای موجود در اجتماع و رسیدگی به نیازمندان با شناسایی نعمت‌های اطراف

در این پایه هم تمام فرایند قبلی مهم است و همانطور که در پایه سوم یاد می‌گرفتند که بتوانند نیازهای خودشان را دسته بندی کنند در این پایه باید یاد بگیرند که بتوانند نیازهای اجتماع را هم دسته بندی کنند. همانطور که در پایه سوم مهارت‌های رفع نیاز در آن‌ها فعال می‌شد باید یاد بگیرند که اگر در اجتماع یک خلایق هست، در مقابل چه نعمت‌هایی در اجتماع وجود دارد. منظور از اجتماع در واقع هر جمعی که با هم ارتباط دارند مانند خانواده، مدرسه، دوستان و ...

باید از دسته بندی نیازها، رسیدگی به نیازمند هم برایشان مهم باشد. مثلاً اگر کسی در اطرافشان نیازمند است، در سال چهارم یاد گرفتن که بی تفاوت نباشند و در سال پنجم باید ببینند چگونه می‌شود نیاز او را برطرف کرد. چه نعمت‌هایی هست برای برطرف کردن نیاز او.

اگر در دانش آموزان پایه پنجم این فعال شود که ذهنشان کار کند و بتوانند با شناسایی نعمتی نیازی از کسی را رفع کنند و بدانند که می‌شود نیازها را برطرف کرد چرا که باید نیازها برطرف شود. پس خیلی خوب سوره ضحی را یاد گرفته‌اند.

اگر تشخیص داده شد سطح بچه‌ها تا اینجا نیست تا پایه سوم هم خوب است.

پایه ششم

شناسایی و معرفی نعمت‌ها به افراد و جمع‌ها برای برطرف شدن نیازهای

متناسب با آن

اگر ظرفیتش باشد و بچه‌ها خوب رشد کرده باشند می‌توانند گسترده‌تر فعالیت کنند و کارهای گروهی انجام دهند. از آن‌ها می‌خواهیم که بروند نعمت شناسی کنند. باهمدیگر نعمت‌های مختلفی که وجود دارد را بشناسند.

پیداکنند که واقعا نعمت‌هایی دارند که به آن‌ها توجه نمی‌کنند. بعد از شناسایی برنامه‌ای داشته باشند با افراد در مدرسه و همایشی برگزار کنند یا مثلا در خانواده یا دوستان یا پایه‌های دیگر ارتباط بگیرند.

نعمت‌هایی که شناسایی کرده‌اند را معرفی و بازگو کنند. یعنی یک برنامه داشته باشند برای معرفی نعمت‌هایی که در جامعه هست. اینگونه نیازهای متناسب با آن نعمت‌ها را برطرف می‌کنند.

بچه‌های پایه ششم اگر بعد از اینکه سیر قبلی را طی کردند، به این سطح رسیدند، می‌شود از آن‌ها انتظار داشت که نعمت را شناسایی کنند، نعمت را معرفی کنند، نیازهای متناسب با آن نعمت را با معرفی کردن نعمت برای دیگران برطرف کنند.

نکته خانم سیفی

خوگرفتن با دعا و نیازخواهی روی بندگی تاثیر می‌گذارد و کبر را از بین می‌برد. بچه‌ها با ادعیه‌ای متناسب با ذائقه‌شون که دوست داشته باشند و این بستگی به القای معلم دارد، خو بگیرند و بدانند که باید نیازشان را از خدا بخواهند، این روی بندگی‌شان تاثیر می‌گذارد و کبرشان را از بین ببرد.

سوالات

آیا می‌شود برای پایه چهارم داستان برای رعایت حقوق یتیمان و رفتار محترمانه با نیازمندان را بازگو کرد؟

فهم قرآن

بله خوب است. برای پایه چهارم خوب است. هرداستان و گفتگو و فعالیتی که توجه‌شان را نسبت به نیاز دیگران فعال کند، خوب است. چراکه ممکن است در محیطی زندگی کنند که فقط مسایل خودشان مورد توجه باشد و هیچ توجهی به نیاز دیگران نداشته باشند. به هر روشی بتوان توجه آن‌ها را به نیاز دیگران فعال کرد خوب است. البته سیر آموزش سوره ضحی یادمان نرود.

مثالی برای پنجم بزنید؟

بچه‌ها باید بتوانند در جامعه نیازها را ببینند و بررسی کنند که نیازها از چه نوعی است. مثلاً بعضی‌ها جنس نیازشان از جنس نیاز به سرپرست است. مثل بچه‌های کار که در خیابان رها هستند. بعضی‌ها نیاز به راهنمایی دارند. بعضی‌ها امکاناتی لازم دارند. نسبت به این نیازها توجه‌شون جلب شود و بعد رسیدگی به نیازمندان برایشان موضوعیت داشته باشد و به نیازمندان رسیدگی کنند. مثلاً اینکه اگر کسی لباس مناسب ندارد به او لباس بدهند. مثلاً جشن عاطفه‌ها. دلشان بخواهد با اینها همراه شوند و باید این کار را با استفاده از سوره ضحی انجام دهند. نعمت‌ها را شناسایی کنند. ببینند در جامعه چه نعمت‌هایی هست که می‌توان با آن‌ها نیازها را برطرف کرد. مثلاً کسانی هستند که بتوانند به کسانی که سرپرست ندارند، کمک کنند که سرپرست بهتری داشته باشند.

دسته بندی نیازهای اجتماع متناسب با پایه پنجم را بیان کنید؟

دسته بندی‌ای که در سوره ضحی بیان می‌شود: نیاز به راهنما، نیاز به سرپرست، نیاز به امکانات.

برای پایه پنجم می‌توانیم بگوییم دانش آموزان لباس‌هایی که دارند و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد را به

همراه والدین خود به بچه‌هایی که نیازمند هستند، بدهند؟

بله کار خوبی است ولی باید حواسمان باشد که با مطالب قبلی همراه باشد از جمله نیاز رابطه‌اش با شب و روز، فایده نیاز، انواع نیاز.

حتما باید بدانند لباس یکی از انواع نیاز در اجتماع است و نیازهای دیگری هم وجود دارد. اما وقتی این را دانستند این کار خوب است.

✚ اگر کسی احساس نیازش فعال نشده باشد گفتن مطالب برایش مفید است؟

خیر. ما اول باید این احساس نیاز را با سوره ضحی برایش فعال کنیم. چون همه انسان‌ها می‌فهمند که نیاز دارند، باید آن‌ها را به نیازهایشان توجه داد.

نکته خانم سیفی

گاهی دسته جمعی می‌گویند خدایا به ما لواشک بده و من بعنوان واسطه رساندن لواشک از خدا به آن‌ها، به آن‌ها لواشک می‌دهم.

✚ برای پایه پنجم می‌توانیم داستانی را با توجه به هدف تربیتی سوره طراحی کنیم که بچه‌ها ادامه دهند که در این صورت ما متوجه می‌شویم که بچه‌ها هدف را متوجه شده اند یا خیر.

بله این بعنوان ارزیابی خیلی خوب است.

✚ استفاده کردن از مستند زندگی دیگران برای پایه ششم خوب است؟

بله به شرطی که مستند درست انتخاب شود. یعنی مستند فلاکت و بیچارگی نباشد. مستند نعمت‌هایی که اگر انسان به آن توجه کنند، نیازهایشان برطرف می‌شود، باشد. اگر این باشد خیلی خوب است.

✚ میشود بچه‌های پایه چهارم به بعد، هرماه بروند پرورشگاه که هم با آن‌ها بازی کنند، هم قدر نعمت‌هایشان

را بدانند و هم دل بچه‌های دیگر را شاد کنند؟

این کار کارخوبیست اما باید مدیریت شده باشد که آسیب نداشته باشد چون باید

دقت شود که بچه‌های پرورشگاه شانشان حفظ شود، مراقب روحیه بچه‌های خودمان هم باشیم. چون در سوره ماعون هم می‌شود اینچنین کارهایی را کرد.

برای اینکه مدل سوره ضحی باشد باید به نیاز و رفع نیاز توجه بکنیم. حتما این موضوع نعمت و رفع نیاز پررنگ شود. یعنی وقتی بچه‌ها مثلا با بچه‌های پرورشگاه بازی می‌کنند یادشان باشد که همه به هم‌بازی نیاز دارند، همه به شادی نیاز دارند.

✚ سوره‌ها خیلی همپوشانی دارند مثلا در سوره ماعون هم کمک به دیگران داشتیم اما با توجه به بحث نماز؟

بله در سوره ضحی به نیاز توجه می‌کنیم و در سوره ماعون به نماز و توجه به دیگران توجه می‌کنیم.

ببینید ما در پایه‌های پنجم و ششم بخصوص ششم کار گروهی داریم اما چون مثلا در سوره عادیات مشخصا کار گروهی بود از پایه سوم کار گروهی‌اش مطرح شد.

حالا بحث نیاز هم ممکن است در سوره‌های مختلف باشد. سوره ماعون چون بحث ارتباط نماز و نیاز دیگران است از اول بحث نماز و نیاز دیگران را داشتیم. یعنی از پایه اول توجه به دیگران مطرح بود. در فعالیت‌ها باید حواسشان به بچه‌های کوچکتر و ضعیف تر می‌بود. سوره ماعون بحث دین، نماز و نیاز دیگران بود.

اما در سوره ضحی در پایه چهارم نیاز دیگران مطرح می‌شود، چون سوره ماعون اصلا سوره ارتباط نماز و نیاز دیگران است ولی سوره ضحی سوره نیاز است. اول نیاز خودم بعد نیاز دیگران.

✚ می‌توانیم برای بحث نیاز از درس اجتماعی استفاده کنیم؟

برای همه موارد از همه کتاب‌ها می‌شود استفاده کرد. در کتب فهم قرآن جدید در هر پایه‌ای بحث کتب درسی، ارتباط آن سوره به کتاب درسی مطرح شده است.

در سایت فهم قرآن در قسمت سوره‌ها هم بخش کتاب درسی دارد. که در مورد ارتباط سوره‌ها و موضوع دروس یکسری از سوره‌ها را پیشنهاد داده است.

✚ اگر یک نمودار مقایسه‌ای برای سوره‌ها درست کنیم، کار خوبیست؟

بله بسیار خوب است. سوره‌هایی که به همدیگر شباهت دارند را در نمودار بنویسند و باهم مقایسه کنند و نسبت آن‌ها را باهم نشان دهد.

✚ رفع نیاز و کمک به دیگران در این سوره با سایر سوره‌ها متفاوت است؟

بله. در بالا توضیح داده شد.

✚ نیازهای کاذب مثل نیاز مقبولیت در میان دوستان ناباب را چطور می‌توانیم از بین ببریم؟

با توجه دادن به نیازهای حقیقی. به نیازهای کاذب بخصوص برای بچه‌های دبستانی نباید پرداخت تا از بین برود. باید نیازهای دیگر را فعال کرد تا توجه به نیازهای کاذب کم شود.

✚ سوره‌ای که در کتاب قرآن بچه‌ها نیست ولی ما به درسای دیگر تلفیق کنیم و توضیح دهیم یا حتما باید تخصصی کار شود؟

می‌شود با درس‌های دیگر کار کرد. اما اسم تلفیق را نمی‌بریم. ما سوره را با چیزی تلفیق نمی‌کنیم. ما می‌خواهیم سوره درس بدهیم. می‌خواهیم یک مفهوم مثل سوره ضحی را به بچه‌ها آموزش بدهیم، برای آموزش سوره به بچه‌ها می‌توانیم از مباحث درس‌های دیگر هم استفاده کنیم. اینگونه نگاه کنیم و نگوییم تلفیق.

✚ سوره‌ها پاورپوینت آماده شده دارد یا خیر؟

خیر پاورپوینت ندارد. مدل آموزشی سوره‌ها به این صورت نیست و باید مفاهیم سوره‌ها به دانش آموزان منتقل شود. با فعالیت سوره‌ها را آموزش می‌دهیم.

برای سنین بزرگتر فضاهای گفت و گو هم وجود دارد . شکل تدریس یکطرفه خیلی مدل مناسبی نیست. فهم قرآن می‌خواهد به ما کمک کند که از آموزش بسته و یکطرفه خارج شویم . اینکه ما حرف بزنییم و بچه‌ها بشوند برای دبستان جذابیتی ندارد.

ما برای آموزش از فعالیت‌های مختلف مثل نماهنگ ، فیلم کوتاه ، فایل صوتی ، بازی و ... استفاده می‌کنیم تا بتواند مفهوم را منتقل کند. خیلی مدل تدریس دانشگاهی نباید اتفاق بیفتد. بچه‌ها باید این مفاهیم رو درک کنند و وارد زندگیشان شود.

اللهم صل علی محمد آل محمد و عجل فرجهم